



مدرس زنوزی چگونه معاد جسمانی را تبیین و اثبات می کند/ معاد جسمانی ملاصدرا محدود به حیات برزخی است

یک استاد دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه بحث معاد جسمانی در میان حکما و فلاسفه اسلامی متداول بوده اما تاکنون کسی نتوانسته این بحث را به خوبی تبیین کند، گفت: آقاعلی مدرس زنوزی معاد جسمانی را به شکل دیگری اثبات می کند که به نظر می رسد بهترین تبیین معاد جسمانی تاکنون است.

یک استاد دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه بحث معاد جسمانی در میان حکما و فلاسفه اسلامی متداول بوده اما تاکنون کسی نتوانسته این بحث را به خوبی تبیین کند، گفت: آقاعلی مدرس زنوزی معاد جسمانی را به شکل دیگری اثبات می کند که به نظر می رسد بهترین تبیین معاد جسمانی تاکنون است.

به گزارش خبرنگار مهر، آیت الله سیدحسن مصطفوی، استاد دانشگاه امام صادق(ع) صبح امروز 18 دی ماه در نشست حکیم طهران در حوزه علمیه امام رضا(ع) با بیان اینکه بحث معاد جسمانی در میان حکما و فلاسفه اسلامی متداول بوده و از زمان شیخ الرئیس به این بحث پرداختند، گفت: تاکنون کسی نتوانسته این بحث را به خوبی تبیین کند. آقاعلی مدرس زنوزی در کتابش در این باره می نویسد: شیخ الرئیس می گوید معاد دو نوع است اگر موافق تجرد نفس باشیم که خیرات و ملکاتی را کسب می کند و با همانها محشور می شود. اما یک معادی است که بدن جسمانی دارد. آیا انسان با همین بدن محشور می شود؟ ابن سینا می گوید که کار عقل نیست که به این سؤال پاسخ دهد و یا معاد جسمانی را اثبات کند. شریعت اسلامی این موضوع را بیان کرده و ما طبق گفته های مولا و سید ما حضرت رسول(ص) این مسأله را تصدیق می کنیم و راهی غیر از این ندارد.

وی افزود: به دنبال فرمایش شیخ عده ای به تکاپو افتادند تا معاد جسمانی را اثبات کنند. معاد جسمانی را می توان از نظر عقلی اثبات کرد. آقا علی مدرس زنوزی می گوید: اولین کسی که سعی کرد معاد جسمانی را از طریق عقلی اثبات کنند محقق طوسی است. شیخ طوسی می گوید معاد جسمانی که محال عقلی نیست. اگر محال عقلی بود شیخ آن را قبول نمی کرد. دین هم ضرورت وجود معاد جسمانی را تأیید می کند و وقتی امکان وقوع دارد، پس معاد جسمانی وجود دارد. شیخ طوسی معتقد است بدن دارای اجزای اصلی است که اجزای دیگر بر آن اضافه می شود. اجزای اصلی همان چیزی است که در روایات از آن تعبیر به «طینت» شده است.

این استاد فلسفه اسلامی در ادامه سخنانش تصریح کرد: خواجه نصیر به این مسأله اعتراض کرده که اصلا اجزای اصلی یعنی چه؟! بعد از آن دیگران آمدند خواستند این مسأله را تبیین و اثبات کنند، اما نتوانستند. برخی از متکلمین هم خواستند در این باره اظهار نظر کنند ولی نتوانستند این موضوع را اثبات کنند تا حدی گفتند تمام بدنهای انسانها که از بین می رود روز قیامت اجزایش جمع می شود و ارواح از عالم برزخ وارد این دنیا می شود و با هم ترکیب می شوند. اکثر علمای اهل سنت به این موضوع قائلند.

آیت الله مصطفوی با اشاره به اینکه آقاعلی مدرس زنوزی معتقد است معاد جسمانی ملاصدرا مربوط به عالم برزخ است و مربوط به قیامت و محشر نیست، تصریح کرد: یعنی در واقع ملاصدرا حیات برزخی را اثبات کرده است، اما معاد جسمانی را اثبات نکرده است. ملاصدرا علی رغم همه زحماتی که کشیده و برهانهایی که اقامه کرده است نتوانسته حیات دنیوی معاد جسمانی را ثابت کند. ملاصدرا می فرماید در قرآن مجید آیاتی است که ابا دارد از تأویل، نمی توان آن را به عالم برزخ تأویل کرد؛ مثل آیات مربوط به زنده شدن حضرت عزیر(ع).

وی با اشاره به اینکه تغییر لازمه عالم ماده است، تأکید کرد: مادی به ما هو مادی نمی توان تغییر نکند اما غذای حضرت عزیر بعد از 100 سال بدون تغییر مانده بود. چگونه می توان این مسائل را تأویل کرد. یعنی در این عالم ماده، ما می توانیم ماده را طوری نگه داریم که تغییر در آن حاصل نشود. این آیه صریح قرآن است. پس اگر قیامت هم مادی باشد نباید تعجب کرد. فردی مقابل پیامبر(ص)، استخوان پوسیده ای را خرد می کند و می گوید چه کسی این را دوباره زنده می کند. این داستان در قرآن آمده است چه پاسخی به این درخواست داده شده است؟ همین استخوان را زنده می کند کسی که روز اول آن را آفرید.

این استاد فلسفه اسلامی در ادامه سخنانش بیان کرد: ملاصدرا می گوید آیاتی در قرآن است که نمی توان آنها را تأویل کرد و تصریح می کند که شاید موجودی در ورای عالم ماده باشد و این تغییر عالم ماده را نداشته باشد. تغییر و تبدیل ویژه عالم ماده نیست. ما چه کار داریم در مورد موضوعی که در دین به صراحت بیان شده، بحث عقلی کنیم و شاید اشتباه کنیم و خود را به گناه بیندازیم. آقاعلی مدرس زنوزی بحث معاد جسمانی را توضیح داده که کسی تا به حال این کار را نکرده بود اما با این وجود باز مشکلاتی دارد.

وی با بیان اهمیت علمی آقاعلی مدرس زنوزی اظهارداشت: مرکب دو نوع است: اعتباری و حقیقی. ترکیب بدن و نفس انسان ترکیب حقیقی است. بعد از آنکه نفس افاده شده در بدن تدبیر می کند. (ما اصلا نمی شناسیم که حقیقت نفس چیست؟! ما نفس را به خاطر صفاتش نامگذاری کردیم. نفس مدبر بدن است.) وقتی نفس از انسان جدا شد، آثار و اجزا و ملکات آن می ماند. وقتی صفات و آثار خیلی بالا باشد اصلا اجزا را سالم نگه می دارد. خود آقاعلی مدرس می گوید: بدن شیخ صدوق را دیدم انگار که خواب بود و بدن کاملا سالم بود و حتی حنای روی دستش تازه بود. اجزا شوق و اشتیاق دارند که به بدن بپیوندند و

همچنین این اشتیاق برای نفس نیز وجود دارد.

مصطفوی با بیان اینکه تغییر و تبدیل نیز همان حرکت است، گفت: حرکت اجزای بدن طوری است که به دنبال نفس می گردد. روز قیامت لحظه ای می رسد که همه اجزای ابدان در اثر حرکتها به نفس می رسند، لذا می فرماید: نفس به دنبال اجزا نمی آید بلکه اجزا به طرف نفس می روند. معادی که آقای مدرس زنوزی تبیین و اثبات کرده شاید معادی باشد که در دین اسلام آمده است. عقل ما این را درک می کند البته عقل بشری ممکن است اشتباه کند.